



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۸۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

مقدمه

یکی از ادله‌ای که در جریان استنباط فقهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، سیره عقلاست. ناآشنایی با روند اعتبار بخشی به این دلیل در مباحث اصولی، چه بسا موجب سوء برداشت‌هایی شود. البته در میان اصولیین نحوه استدلال بر حجیت سیره عقلا یکسان نیست.

در این درس و نیز درس بعد بحثی اجمالی در این زمینه خواهیم داشت. در مطالب این درس، ابتدا با دیدگاه شهید صدر در مورد نحوه حجیت سیره عقلا آشنا می‌شویم؛ سپس با توجه به متعلق امضای معصوم در رابطه با سیره عقلا نتایج این دیدگاه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

متن درس

السيرة:

و من الواضح ان السكوت انما يدل على الإمضاء فى حالة مواجهة المعصوم لسلوك معين، و هذه المواجهة على نحوين: أحدهما: مواجهة سلوك فرد خاص يتصرف امام المعصوم، كأن يسمح امام المعصوم فى وضوئه منكسوا و يسكت عنه. و الآخر: مواجهة سلوك اجتماعى و هو ما يسمى بالسيرة العقلائية كما إذا كان العقلاء بما هم عقلاء يسلكون سلوكا معيناً فى عصر المعصوم، فانه بحكم تواجده بينهم يكون مواجهها لسلوكهم العام، و يكون سكوته دليلاً على الإمضاء. و من هنا أمكن الاستدلال بالسيرة العقلائية عن طريق استكشاف الإمضاء من سكوت المعصوم. و الإمضاء المستكشف بالسكوت ينصب على النكتة المركوزة عقلايا لا على المقدار الممارس من السلوك خاصة. و هذا يعنى أولاً: ان الممضى ليس هو العمل الصامت لكى لا يدل على أكثر من الجواز، بل هو النكتة، أى المفهوم العقلائى المرتكز عنه فقد يثبت به حكم تكليفى أو حكم وضعى. و ثانياً: ان الإمضاء لا يختص بالعمل المباشر فيه عقلايا فى عصر المعصوم، ففيما إذا كانت النكتة أوسع من حدود السلوك الفعلى كان الظاهر من حال المعصوم إمضاءها كبرويا و على امتدادها.

سیره عقلایی

روشن است که دلالت سکوت معصوم بر امضای او، در صورتی است که معصوم با عمل معینی مواجه شود. مواجهه معصوم با یک عمل معین به دو گونه می‌تواند باشد:

۱. مواجهه با رفتار معین از یک فرد خاص؛ مثلاً شخصی در برابر امام معصوم وضو بگیرد، اما مسح سر را بر عکس (از جلو سر به طرف عقب) بکشد. در بحث سابق، این قسم از مواجهه بررسی شد.

۲. مواجهه با یک رفتار عمومی و اجتماعی که میان عقلا (= انسان‌ها با غضّ نظر از دینی که برگزیده‌اند) شیوع دارد و اصطلاحاً «سیره عقلا» نامیده می‌شود؛^۱ مانند عمل به خبر واحد ثقه، رجوع به متخصص، ازدواج و ... با توجه به اینکه معصوم، عضوی از جامعه عقلاست، طبعاً با رفتارهای مشترک انسانی مواجه می‌شود. اگر معصوم در قبال یک رفتار عمومی سکوت کند و اعتراضی نشان ندهد، می‌توان تأیید و امضای ایشان را به دست آورد؛ زیرا اگر این سیره عقلائی بر خلاف رأی معصوم باشد، مخالف با شریعت است و در این صورت بر معصوم لازم است که نسبت به آن موضع‌گیری نماید.

نکته: سیره عقلائیه، بذاته حجیتی ندارد و آنچه که به لحاظ شرعی آن را معتبر و موجه می‌سازد، امضا و تأیید معصوم نسبت به آن است.

تطبیق

السيرة. و من الواضح ان السكوت انما يدل على الإمضاء في حالة مواجهة المعصوم لسلوك معين، و هذه المواجهة على نحوين.

سیره عقلائیه. روشن است که سکوت معصوم تنها در صورتی دلالت بر امضا و تأیید دارد که معصوم با رفتار معینی روبه رو شده باشد. این مواجهه به دو گونه است.

أحدهما: مواجهة سلوك فرد خاص يتصرف امام المعصوم، كأن يسمح امام المعصوم في وضوئه منكسوا و يسكت عنه. یکی اینکه معصوم با رفتار فرد خاصی مواجه شود که در مقابل معصوم رفتاری را انجام می‌دهد؛ مثل اینکه در برابر معصوم به صورت معکوس مسح کند و امام در قبال رفتار او سکوت کند.

و الآخر: مواجهة سلوك اجتماعي و هو ما يسمى بالسيرة العقلائية

نحوه دیگر اینکه معصوم با یک رفتار اجتماعی مواجه شود؛ به این رفتار عمومی اجتماعی، سیره عقلائیه گفته می‌شود.

كما إذا كان العقلاء بما هم عقلاء يسلكون سلوكا معينا في عصر المعصوم،

چنان‌که عقلا به این عنوان که عقلا هستند (نه به عناوین دیگری مثل عقلا بما هم متشرعه) رفتارهای خاصی را در زمان حیات معصوم انجام می‌داده‌اند. (مانند عمل به خبر واحد ثقه، بیع معاطاتی و ...).

^۱ اصطلاح دیگری با عنوان «سیره متشرعه» نیز مطرح است؛ بدین معنا که رفتاری خاص در میان متشرعین به دین اسلام رواج داشته باشد، نظیر نماز خواندن به گونه‌ای خاص، وضو گرفتن و ... ویژگی مشترک این رفتارها این است که ناشی از تعالیم شارع مقدس می‌باشند.

فانه بحکم تواجدہ بینہم یکون مواجہا لسلوکہم العام، و یکون سکوتہ دلیلا علی الإمضاء.

معصوم به دلیل حضور میان عقلا، با رفتار عمومی آنها مواجه می‌شود، و سکوت او (در قبال یک رفتار عمومی) دلالت بر امضا دارد.

و من هنا أمکن الاستدلال بالسیرة العقلانیة عن طریق استکشاف الإمضاء من سکوت المعصوم.

بنابراین می‌توان از طریق استنباط امضای معصوم از سکوت او (در مباحث فقهی) به سیره عقلا استدلال کرد؛ (هر چند که ارزش حقیقی از آن امضای معصوم است و سیره عقلا ارزش ثانوی و بالتبع دارد).

Sco1: ۱۵:۰۶

متعلّق امضای سیره توسط معصوم

بیان کردیم که سکوت معصوم در مواجهه با سیره عقلا، می‌تواند نشان دهنده تأیید و رضایت ایشان باشد. اما معصوم، دقیقاً چه چیزی را تأیید می‌کند؟ این سؤالی است که در پی پاسخ به آن هستیم.

سیره عقلا دو بعد دارد. بعد ظاهری، همان رفتاری است که از عقلا صادر می‌شود؛ مانند عمل کردن به خبر واحد ثقه یا پرداخت نفقه عیال. بعد دیگر سیره، ذهنیت عقلا و ارتکازی^۱ است که به صورت یک قانون نانوشته وجود دارد و عقلا بر اساس آن، چنین رفتارهایی را بروز می‌دهند. مثلاً پشتوانه فکری عمل به خبر ثقه این است که: خبر ثقه حجت است و می‌توان به کاشفیت خبر ثقه از واقع اعتماد کرد، و یا پرداخت نفقه عیال مبتنی بر این ذهنیت است که: بر مرد واجب است مخارج زندگی عیال خود را تأمین کند.

اگر امضای معصوم تنها به بعد ظاهری سیره تعلق بگیرد، این تأیید حداکثر دلالت بر جواز عمل به سیره می‌کند؛ یعنی در مثال‌های مطرح شده، در نهایت دلالت بر جواز عمل به خبر ثقه واحد و جواز پرداخت نفقه خواهد داشت. اما اگر امضای معصوم به بعد ذهنی و ارتکازی سیره تعلق داشته باشد، آن حکم و قانون ذهنی به تأیید معصوم رسیده است و در مثال‌های مزبور، تأیید معصوم به معنای حجیت خبر ثقه و وجوب عمل بر طبق آن و نیز وجوب پرداخت نفقه به عیال خواهد بود.

مرحوم شهید صدر بر این عقیده است که امضای معصوم به آن نکته مرتکز در ذهن عقلا تعلق گرفته است؛ نه صرفاً به رفتاری که از عقلا سر می‌زند. ایشان از این امر دو نتیجه را برداشت می‌کنند.

نتیجه اول؛ استکشاف احکام تکلیفی و وضعی

همان‌طور که اشاره شد اگر متعلق امضای معصوم، فقط بعد ظاهری سیره عقلا باشد، از آنجا که رفتار عقلا، امری صامت و غیرگویاست، حداکثر حکم جواز قابل استفاده است. اما اگر متعلق امضا، نکته مرتکز در اذهان باشد می‌توان احکام تکلیفی و یا احکام وضعی را از امضای معصوم به دست آورد.

^۱ منظور از ارتکاز این است که علاوه بر وجود سیره بر فعل یا ترک چیزی، نوع حکم آن در شعور و عمق ذهن جای گرفته باشد، گرچه منشأ آن ناشناخته باقی بماند. (ر.ک: الاصول العامة للفقہ المقارن، ص ۲۰۰؛ نقل در: عیسی ولائی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۵۶)

حکم تکلیفی، مانند وجوب پرداخت نفقه که از سکوت معصوم در قبال پرداخت نفقه توسط مرد استفاده می‌شود. حکم وضعی، مانند حکم به تحقق ملکیت از راه حیازت که از سکوت معصوم در قبال تصرف عقلا در آنچه که از راه حیازت (جمع آوری مباحات اصلی، مانند هیزم، ماهی و ...) به دست می‌آورند، قابل استفاده است.

تطبیق

و الإمضاء المستكشف بالسكوت ينصب على النكتة المركوزة عقلا لا على^۱ المقدار الممارس من السلوك خاصة. امضای معصوم که با استفاده از سکوت او (در قبال سیره عقلا) کشف می‌شود، تعلق می‌گیرد بر قانون مرتکز عقلانی، نه اینکه امضای معصوم، فقط به مقدار عملی و به اجرا درآمده تعلق گرفته باشد. و هذا^۲ یعنی أولا: ان الممضى ليس هو العمل الصامت لكي لا يدل^۳ على أكثر من الجواز، تعلق گرفتن امضای معصوم به نکته مرتکز عقلانی، به این معناست که: اولاً آنچه که امضا شده، آن رفتار غیر گویا نیست تا به بیشتر از جواز دلالتی نداشته باشد. بل هو^۴ النكتة، أى المفهوم العقلانى المرتکز عنه^۵ فقد يثبت به^۶ حکم تکلیفی أو حکم وضعی. بلکه آنچه که امضا شده، نکته است؛ یعنی آن مفهوم عقلانی مرتکز که از رفتار عقلا فهمیده می‌شود. پس گاهی از این مفهوم، حکمی تکلیفی فهمیده می‌شود و گاه حکمی وضعی.

Sco۲: ۳۵:۳۸

نتیجه دوم؛ گستردگی متعلق امضا

نتیجه دیگری که از تعلق امضای معصوم به نکته مرتکز عقلانی به دست می‌آید این است که این تأیید و امضا، تنها اختصاص به رفتارهایی ندارد که در عصر معصوم، بروز و ظهور یافته است؛ بلکه در طول اعصار، هر گونه رفتاری که منطبق بر آن نکته مرتکز عقلایی باشد، مورد تأیید معصوم می‌باشد. به عنوان مثال، عقلا در عصر معصوم، اقدام به جمع‌آوری مباحات اصلی، نظیر هیزم و ماهی و تصرف در آنها می‌کرده‌اند. سکوت معصوم در قبال این رفتار به معنای تأیید ذهنیت عقلاست که مرتکز در اذهان آنها می‌باشد و عبارت است از اینکه: حیازت، یکی از اسباب ملکیت است. طبق نتیجه اول، امضای معصوم دال بر حصول ملکیت به واسطه حیازت است که یک حکم وضعی می‌باشد، و بنابر نتیجه دوم، این حکم اختصاصی به هیزم و ماهی (مثلاً) که در زمان معصوم مورد حیازت واقع می‌شده ندارد؛ بلکه اگر در زمان‌های بعد، مباحات دیگری - نظیر معدن و نفت - نیز مورد حیازت واقع شود مشمول همین حکم می‌گردد.

۱. معطوف علیه: «على» در عبارت «ينصب على النكتة».

۲. مشارالیه: الانصباب على النكتة المركوزة.

۳. مرجع ضمير فاعلی: «الامضاء» یا «العمل الممضى».

۴. مرجع ضمير: الممضى.

۵. متعلق: المفهوم؛ مرجع ضمير: العمل.

۶. مرجع ضمير: المفهوم.

تطبيق

و ثانيا: ان الإمضاء لا يختص بالعمل المباشر فيه عقلائيّا في عصر المعصوم،

و نتیجه دوم اینکه: امضاء معصوم اختصاص ندارد به عملی که در عصر معصوم، توسط عقلا انجام می‌شود.

ففيما إذا كانت النكتة أوسع من حدود السلوك الفعلي كان الظاهر من حال المعصوم إمضاءها^١ كبرويا و علي^٢ امتدادها.

پس در مواردی که دامنه نکته مرتکز عقلائی، وسیع‌تر از محدوده رفتار فعلی عقلا باشد، ظاهر حال معصوم این است که نکته را به صورت یک امر کلی (که بر هر صغری و مصداقی قابل تطبیق است) و با در نظر گرفتن امتدادی که این نکته (در زمان‌ها و مکان‌های مختلف) دارد، امضا نموده است.

Scor: ۴۴:۴۱

^١ . مرجع ضمیر: النكتة.

^٢ . معطوف عليه: كبروياً.

چکیده

۱. سکوت معصوم در مواجهه با دو گونه رفتار است:

الف) رفتار فردی خاص؛

ب) رفتار عمومی که اصطلاحاً سیره عقلا نامیده می‌شود.

۲. سکوت معصوم به نکته مرتکز در ذهن عقلا تعلق می‌گیرد؛ نه صرفاً به رفتاری که از عقلا سر می‌زند. با توجه به

این دیدگاه، نتیجه می‌گیریم که:

اولاً: از این امضای معصوم می‌توان احکام تکلیفی یا وضعی را استنباط کرد؛

ثانیاً: در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، هر رفتاری که منطبق با آن نکته مرتکز عقلانی باشد، مورد تأیید معصوم می‌باشد.